

## ۱-۳-۲- عدم تمایل آمریکا به درگیری در منطقه

آمریکایی‌ها بعد از ۱۱ سپتامبر با تمام وجود و توانشان وارد منطقه شدند و در دو جبهه عراق و افغانستان دچار یک جنگ فرسایشی شدند. پنتاگون به دلیل نداشتن یک استراتژی خروج مشخص دچار بحران شد و جنگ‌های دولت بوش به یک پشیمانی سیاسی تبدیل گردید. در انتخابات ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ آمریکا حتی هم حزبی‌های جورج بوش نیز از او سیاست‌های عراق حمایت نکردند. دموکرات‌ها هم به شدت بر سیاست‌های جنگ طلبانه بوش تاختند. او با ما توانست با استفاده از همین ضعف در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود. هدف اول رئیس دموکرات کاخ سفید خروج نیروهای نظامی آمریکایی از منطقه بود. خروج نیروهای نظامی آمریکا از منطقه یک خلاء قدرت را در منطقه به وجود آورد.

## ۲-۳-۲- سیاست چرخش به سمت آسیا

علاوه بر این تیم امنیت ملی او با ما یک تغییر استراتژیک در سیاست‌های کاخ سفید ایجاد کرد و در سال ۲۰۱۲ سند استراتژیک امنیت ملی آمریکا از سیاست چرخش به سمت آسیا خبر داد. کاهش ضریب اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی آمریکا خلاء قدرت موجود در این منطقه را بیش از پیش تقویت کرد. در راهبرد نظامی ۲۰۱۲ آمریکا اعلام شد که اولویت ما دیگر اروپا و خاورمیانه نیست، اولویت ما شرق آسیاست. هدف آن‌ها این بود که نیروهای خود را از اروپا و خاورمیانه به تدریج کاهش داده و در شرق آسیا تمرکز کنند.

## ۳-۳-۲- اعتراضات عربی خاورمیانه

سومین عاملی که خلاء قدرت در خاورمیانه را تقویت کرد، اعتراضات عربی در ماه‌های آغازین سال ۲۰۱۱ بود. این اعتراضات اجتماعی و سیاسی در جهان عرب که از تونس شروع شد، هنوز هم منطقه را تحت تأثیر خود دارد. به دنبال این اعتراضات نظام سیاسی تونس از هم‌پاشیدگی لیبی به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه از بین رفت؛ مصر که نقش اصلی را در جهان عرب بازی می‌کرد، حکومتش سرنگون شد؛ یمن دچار مشکلات عدیده‌ای شد؛ بشار اسد در سوریه موقعیت خود را از دست داد؛ تمام این اتفاقات را به رویدادهای عراق اضافه کنید که در آن رژیم اقتدارگر صدام از بین رفته و دولت مرکزی توانمندی شکل نگرفته است؛ مقتدرترین دولت‌های جهان عرب در پانزده سال اخیر از بین رفتند و این از بین رفتن دولت‌های ملی که عموماً هم‌ملی‌گرا و چپ‌گرا بودند خلاء قدرت بزرگی را در منطقه ایجاد کرد، ضمن اینکه بسیاری از آن‌ها به دولت‌های بسیار شکننده تبدیل شدند.



اسلامی در قرن بیست و یک، در دنیای مدرن، جهانی شدن و امواج اطلاعات اگر بخواهند به مثابه یک راه حل عمل کنند و پاسخگوی مشکلات مسلمانان باشند باید تکلیفشان را با مقتضیات زمان روشن کنند. در غیر این صورت به دلیل وجود خلاءهای تئوریک و نداشتن استراتژی روشن نتیجه آن می‌شود ایجاد یک گروه تروریستی همچون داعش.

## ۲-۲- داعش بر ساخته سیاست‌های غرب در خاورمیانه

ریشه‌های پدیده داعش محدود به خاورمیانه و تناقض‌ها و چالش‌های درون دینی نیست، بلکه بخش قابل توجهی از آن ریشه در سیاست‌های استعماری و سلطه‌گرایانه غرب در دو قرن اخیر دارد.

## ۱-۲-۲- داعش و سایکس پیکو معکوس

داعش را می‌توان محصول سیاست‌های استعماری غرب در قرن‌های گذشته نیز دانست. بر اساس این تحلیل چنانچه روند به وجود آمدن داعش را بررسی کنیم خواهیم دید که غرب متهم اصلی افزایش تروریسم در منطقه است. باید خاطر نشان کرد که یکی از اهداف گروهک تروریستی داعش معکوس کردن تأثیرات قرار داد سایکس-پیکو است که به صورت محرمانه میان قدرت‌های اروپایی در سال ۱۹۱۶ طی جنگ جهانی اول منعقد شد.

این مرزهای خودسرانه و دلخواهانه به دنبال تفرقه‌اندازی و جدایی کشورهای عربی از هم بود و این که آنها را در موقعیت ضعف قرار دهد؛ چیزی که از آن پس منجر به درگیری‌های فراوان در طول دهه‌های گذشته شد.

## ۲-۲-۲- داعش ابزار کسب مشروعیت آمریکا در منطقه

همچنین این یک واقعیت است که آمریکا به دنبال کسب مشروعیت از حضور خود در منطقه خاورمیانه است. مشروعیتی که به واسطه جنگ با عراق و افغانستان به دست نیامد. لذا همان گونه که بسیاری از تحلیل‌گران بارها بیان کرده‌اند، زمینه‌ساز حضور داعش در منطقه سرویس‌های اطلاعاتی منطقه هستند. دستگاه‌های جاسوسی غربی مولفان داعش هستند که از آن بهره‌وری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌کنند. این یک واقعیت است که تناقضات رفتاری آمریکا در قبال داعش برآمده سیاست دوگانه واشنگتن در منطقه است «آمریکا از یک سو ائتلاف داعش را رهایی می‌کند اما بسیج نیروها را فعالیت نمی‌بخشد.

## ۳-۲-۲- داعش محصول خلاء قدرت در خاورمیانه

دلیل دیگر «خلاء قدرت در منطقه» است که عامل بیرونی دارد. این خلاء قدرت در ۳ قالب بروز پیدا کرده است:

نظری می‌رسد اکنون انکار همه آن تجربه‌ها که ترکیبی از تجدد و دین بود، در دستور کار قرار گرفته و بار دیگر خلافت به عنوان سنت هزار ساله به عنوان راه حل مطرح شده است. خلافتی که با شکست عثمانی بساطش بر چیده شد.

سلطه غرب، استعمار و فلسفه جدید بر گفتمان موجود در شرق باعث شد بسیاری از روشنفکران عرب و مسلمان با کهنه خواندن نظام سیاسی پیشین خود به دنبال یافتن، تبیین و طراحی نظامی جایگزین باشد که بتواند شرق شکست خورده و مقهور را به سامانی برساند. نظریه‌سازی‌ها، به خصوص نظریه‌های ترکیبی که راهی میان اسلام و غرب را جمع کرده بود، مطرح شد. در این باره تلاش‌های زیادی صورت گرفت، صدها کتاب و هزاران مقاله و راهکار ارائه و حتی بسیاری در عمل اجرا شد. برخی نظریات متمایل به اندیشه‌های لیبرال و برخی وابسته به جریانهای چپ بود، اما همه غربی-اسلامی و در سایه کنار زدن خلافت بود.

این تاریخ سیاسی شرق اسلامی مقهور در طول این یک قرن و اندی است که یک سره در حال آزمایش و تغییر بوده و به دلیل هزاران مشکل دیگر که اساسی‌ترین آن عقب ماندگی و ناکارآمدی‌های همه جانبه اقتصادی و فرهنگی بود، در همه این آزمایش‌ها شکست خورد. با این حال رشد جریان‌های اسلام‌گرا، سلفی‌ها و اخوانی‌ها در قرن اخیر در خاورمیانه بار دیگر احیای الگوی خلافت را به دنبال داشت. اما متأسفانه این الگوی سیاسی هیچ‌گاه از لحاظ تئوریک مدون نگشت و تنها یک شکل کاریکاتورگونه از آن مطرح شد. این کاری بود که از اواسط دهه نود قرن گذشته، توسط القاعده آغاز شد. حاصلش آن بود که بن لادن به عنوان «امیر المؤمنین» شناخته شد و با وی «بیعت» شد.

بیعت یک مفهوم مهم و بسیار مهم در نظام خلافت بود. پس از کشته شدن بن لادن، با ایمن ظواهری بیعت شد. در سطح جزئی‌تر، بحث «امیر اسلامی» یک منطقه و در رأس گروه‌های نظامی «حاکم اسلامی» هم مطرح بود. اینها شاخه‌های فرعی خلافت بودند، به طوری که فرماندهان گروه‌های اسلامی، همه یک امیر المؤمنین کوچک بودند. باید فرصتی می‌شد تا معلوم شود، خلیفه کدام یک خواهند بود. بازگشت به نظریه خلافت در دوره جدید، به بدترین شکل موجود صورت گرفت. با این حال به دلیل حس نوستالژیک توده‌های عرب نسبت به دوران گذشته مورد استقبال قرار گرفت.

اما خلاء تئوریک باعث شد تا تلاش‌های صورت گرفته تنها در چارچوب قالب‌های محدود ظاهری باقی بماند و سریع تبدیل به یک وصله ناجور و ناهماهنگ در دنیای مدرن بشود. الگوی خلافت داعش، طالبان و القاعده را می‌توان هم‌زمان بزرگ‌ترین ضربه به اسلام سیاسی اهل سنت دانست. جنبش‌های

## بررسی ریشه‌های شکل‌گیری پدیده داعش در خاورمیانه

قبض ایدئولوژیک مذهب		
توسعه نیافتگی مذهبی		
خلاء نظری در حوزه تمدنی		
داعش و سایکس پیکو معکوس		
ابزار کسب مشروعیت آمریکا در منطقه		
داعش بر ساخته سیاست‌های غرب در خاورمیانه	عدم تمایل آمریکا به درگیری در منطقه	
	سیاست چرخش به سمت آسیا	
	اعتراضات عربی خاورمیانه	
داعش محصول واقعیت‌های منطقه خاورمیانه		داعش محصول خلاء قدرت در خاورمیانه